

جایگاه امر به معروف و نهی از منکر در سیاست جنایی

غلامحسین الهام*

استادیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۹/۷ - تاریخ تصویب: ۱۳۹۰/۱۱/۲۳)

چکیده:

قانون اساسی جمهوری اسلامی امر به معروف و نهی از منکر را در نظام حقوقی کشور، تکلیفی متقابل میان دولت و ملت برشمرده است. تعیین چگونگی این روابط و جزئیات آن منوط به قانون عادی شده است که تاکنون تصویب نشده است. تلقی عمومی این است که این نهاد تنها در قالب یک قانون معین می‌تواند، برای مداخله خیرخواهانه در امور یکدیگر ظرفیت‌سازی کند. حال آنکه ظرفیت این نهاد فراتر از یک قانون معین است بلکه نهادی است که خود موکد و نظام‌ساز است. امر به معروف و نهی از منکر می‌تواند نهادهای متعدد فرهنگی، سیاسی و اجتماعی ایجاد کند. در واقع خود، پایه و قاعده این نهادهای مختلف حقوقی و سیاسی و اجتماعی باشد. با استفاده از این نهاد می‌توان جامعه را در مدار حق و ارزش‌های صحیح انسانی از آسیب‌های مختلف اعم از جرایم و انحرافات حفاظت نمود و حتی برخی نهادهای غیرضروری کفبری را الغاء کرد.

واژگان کلیدی:

امر به معروف، نهی از منکر، سیاست جنایی، قانون اساسی، حکومت اسلامی، حسبه، جهاد.

۱) ماهیت امر به معروف و نهی از منکر

۱-۱) موقعیت‌شناسی بحث در منابع فقهی

الف) منابع امامیه

فقه‌های امامیه، پیوسته امر به معروف و نهی از منکر را از فروع دین برشمرده‌اند. در منابع فقهی امامیه، برخی از فقها آن را پس از کتاب جهاد و در کنار آن قرار داده‌اند. بدین ترتیب که آن را در بخش پایانی کتاب عبادات قرار داده‌اند.

شیخ مفید (ره) در کتاب فقهی خود «المقنعه» بابی را به عنوان ملحق بر کتاب الحدود با عنوان «کتاب الامر بالمعروف و النهی عن المنکر و اقامه الحدود و الجهاد فی الدین» گشوده است (مفید، ۱۴۱۳ق، ص ۸۰۷). وی در عین حال در صورتی که شخص آمر یا ناهی از صلاحیت کافی برخوردار بوده و شرایط جامعه را برای امر و نهی خطرناک نبیند، به عنوان تکلیفی فردی مأمور به اجرای امر به معروف و نهی از منکر دانسته است.

شیخ طوسی در کتاب «النهایه»، بحث امر به معروف و نهی از منکر را پس از بحث جهاد آورده است (طوسی، ۱۴۰۰ق، ص ۲۹۹). محقق حلی و علامه حلی کتاب امر به معروف و نهی از منکر را در پایان مبحث عبادات قرار داده‌اند. «محقق» در «شرایع» نیز در پایان کتاب امر به معروف در مورد اقامه حدود به وسیله فقها بحث کرده است.

شهید اول در «لمعه» کتاب جهاد را در پنج فصل بحث کرده است و فصل پنجم را با عنوان «فی الامر بالمعروف» مطرح می‌کند. در واقع شهید، امر به معروف را جزئی از کتاب جهاد قرار داده است و نه اینکه بحث را متأخر از آن مطرح کرده باشد. در همین بخش در مورد اقامه حدود به وسیله فقها در زمان غیبت بحث کرده و به جواز آن فتوا داده است: «و یجوز للفقها حال الغیبه اقامه الحدود مع الامن من الضرر». و همین طور قضاوت بین مردم را به آن ملحق نموده «والحکم بین الناس» و مراجعه مردم به آنان را واجب شمرده است: «و یجب الترافع الیه» (شهید ثانی، ج ۲، ۱۴۱۰ق، ص ۴۱۷).

در عصر صفوی مفتوح شدن باب حکومت، موجب گسترش بحث امر به معروف و نهی از منکر شده است. از جمله می‌توان به برخی تک‌نگاری‌ها در این خصوص از جمله تک‌نگاری محقق کرکی اشاره کرد (دایرة‌المعارف اسلامی، ۱۳۷۳ش، ص ۲۰۷).

پیوستگی این مباحث حاکی از بُعد اجتماعی و حکومتی است که در ماهیت این نهاد، یعنی امر به معروف و نهی از منکر وجود دارد چرا که برخی از این اقدامات نظیر اجرای مقررات کیفری از اقتضات حکومت است. به نظر می‌رسد این فقها حتی در صورت عدم اقتدار کافی و بسط ید، اجرای حدود الهی را از باب امر به معروف و نهی از منکر بر فقیهان لازم شمرده‌اند.

(ب) منابع غیر امامیه

«ماوردی» عالم شافعی، امر به معروف و نهی از منکر را در کنار نماز و روزه و حج جای داده است (ماوردی، ۱۴۰۶ق، ص ۲۴۷)؛ «محمد غزالی» نیم قرن بعد از او در «احیا علوم الدین» که با هدف بازسازی علوم دینی و مبارزه با انحرافات تدوین شده، کتاب امر به معروف و نهی از منکر را در «ربع عادات» جای داده است. این اقدام را بی سابقه توصیف کرده‌اند؛ زیرا غزالی به جای قرار دادن امر به معروف و نهی از منکر در حوزه عبادات، و یا به جای اینکه به طور کلی آن را از عناوین فقهیه خارج کند، آن را بسان جلوه‌ای از احکام شرعی در متعادل ساختن زندگی دنیوی یا تعبیر خود «عادات» قرار داده است (غزالی، ۱۹۸۹م، کتاب نهم، ص ۲۶۹).

غزالی در گفتار خود درباره امر به معروف و نهی از منکر، افزون بر این جنبه، از دیدگاه سیاسی نیز به آن نگریده و درباره دعوت زمامداران به معروف و نهی ایشان از منکر، حتی روی آوردن آنان به سلاح را به بحث و نقد کشیده است (دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۷۳ش، ص ۲۰۶).

«ابن تیمیه» عالم حنبلی، یکی از وظایف اصلی حکومت را امر به معروف و نهی از منکر در سطح جامعه دانسته، وی امام را موظف می‌داند در چارچوب شریعت و به مقتضای شرایط، به ترویج اعمال «معروف» و بازداشتن از اعمال «منکر» اهتمام ورزد. او در عین حال این وظیفه را از عهده افراد ساقط ندانسته و با رعایت شروطی، حق و وظیفه آنان نیز قلمداد کرده است (دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۷۳ش، ص ۲۰۶).

«شیخ محمد عبده»، اندیشمند متأخر، امر به معروف و نهی از منکر را «حفاظ جامعه و نگهدارنده وحدت» شمرده است. وی امت اسلامی را تنها در صورت وجود یک حکومت عادلانه، قادر به ایفای مطلوب این وظیفه دانسته است (عبده، ۱۹۷۸م، ج ۴، ص ۲۶).

۱-۲) موقعیت‌شناسی تحلیلی**(الف) کارکرد تربیتی**

تحقق واجب امر به معروف و نهی از منکر، مستلزم شناخت متعلق حکم، یعنی «معروف» و «منکر» است. «معروف» و «منکر» که بر اساس آموزه‌های دینی، یا آموزه‌های مسلم عقلی شناخته می‌شوند، به عنوان «لازمه تحقق واجب» شناخته می‌شوند:

«عن مسعده بن صدقه، عن ابی عبدالله علیه السلام قال سمعته یقول سئل عن الامر بالمعروف و النهی عن المنکر اواجب علی الامه جمیعاً؟ فقال: لا؛ قیل و لم؟ قال انما هو علی القوی المطاع العالم بالمعروف من المنکر لا علی الضعیف الذی لایهتدی سبیلاً الی ای من ای، یقول من الحق الی الباطل و الدلیل علی ذلک کتاب الله عز و جل قوله: ولتکن منکم امه یدعون

الی الخیر و یامرون بالمعروف و ینهون عن المنکر» فهذا خاص غیر عام کما قال الله عز و جل: «و من قوم موسی امه یهدون بالحق و به یعدلون» و لم یقل: علی امه موسی و لا علی کل قومه و هم یومئذ امم مختلفه و الامه واحد فصاعداً کما قال الله عز و جل: «ان ابراهیم کان امه قانتاً لله» یقول: مطیعاً لله عز و جل و لیس علی من یعلم ذلك فی هذه الهدنه من حرج اذا کان لا قوه له و لا عدد و لا طاعه، قال مسعده: و سمعت ابا عبدالله یقول: و سئل عن الحدیث الذی جاء عن النبی صلی الله علیه و آله و سلم: ان افضل الجهاد کلمه عدل عند امام جائر، ما معناه؟ قال: هذا علی ان یامر به معرفته، و هو مع ذلك یقبل منه و الا فلا (حراملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۱، ص ۴۰۰): «از امام صادق(ع) سؤال شد که آیا امر به معروف و نهی از منکر بر همه امت واجب است. فرمودند: «نه و در توضیح علت آن فرمودند: این حکم بر عالمان مطاع و قدرتمند، واجب است نه کسی که از درک حق از باطل ناتوان است و راه به جایی نمی‌برد و دلیل بر این امر آیه شریفه قرآن است که فرمود «و باید از میان شما امتی باشند که دعوت به خیر و امر به معروف و نهی از منکر کنند...» و این خاص است و عام نیست چنانکه خداوند فرمود: «از قوم موسی امتی امر به حق می‌کنند و به آن دآوری می‌کنند» و نفرمود بر همه قوم موسی واجب است در حالی که قبائل مختلف بودند و لفظ امت بر یک نفر و به بالا اطلاق می‌شود همانند قول خداوند که فرمود: «ابراهیم امتی است که مطیع خداست» می‌فرماید مطیع خدا بود و بر کسی که این مطلب را می‌داند در این سازش حرجی نیست زیرا هیچ نیرو و عدد و تبعیتی برای او وجود ندارد و از امام سوال شد درباره حدیثی که از پیامبر نقل شده است که برترین جهاد سخن عدل است نزد حاکم جائر که معنایش چیست؟ حضرت فرمود: «یعنی اینکه وقتی او را شناخت امر به معروفش نماید اگر از او حرف شنوی دارد امر به معروف کند و گر نه در غیر این صورت بر او واجب نیست».

با این وصف که عموم افراد مکلف در جامعه اسلامی موظف به یادگیری احکام دینی باشند، با فراگیر شدن آموزه‌های دینی که عرصه‌ای گسترده دارند به خصوص در حوزه واجبات شرعی و شناخت محرمات، جامعه برخوردار از شناخت و آگاهی همه‌جانبه می‌شود. با این کنش تربیتی در عرصه فردی، آموزش عمومی نیز آغاز می‌شود. در حقیقت، در جامعه دینی، امر به معروف و نهی از منکر، با فرآیند تربیتی آغاز می‌شود. این فرآیند عمومی و فراگیر است.

ب) کارکرد اجتماعی شدن

بسط آموزه‌ها، موجب می‌شود که فرد در بستر خانواده و سپس در بستر جامعه با هنجارهای غالب آشنا شود. این آشنایی با هنجارهای اجتماعی، که نقطه اتصال فرد و جامعه

است، موجب هویت بخشی به جامعه نیز هست. چنانکه شیخ محمد عبده اندیشمند دینی معاصر، این نهاد را به عنوان «حفاظ جامعه و نگهدارنده وحدت» آن شمرده است (پیشین). اقتضای ذاتی این نهاد آن را به فرآیند تربیتی و فرهنگ ساز تبدیل می کند. چرا که نخستین مرحله امر به معروف و نهی از منکر، انزجار باطنی و قلبی از منکرات است. اگرچه در مباحث فقهی، این مرحله را فقیهان، نخستین مرتبه از مراتب نهی از منکر ذکر کرده اند، ولی گروهی از فقها و صاحب نظران با دقت و موشکافی، آن را نه تنها مرتبه ای از نهی از منکر، که لازمه ایمان برشمرده اند. حتی در مورد نوع وجوب امر به معروف و نهی از منکر، که عموماً آن را واجب کفایی شمرده اند، ولی این مرتبه را وظیفه ای همگانی تلقی کرده و در حقیقت این مرتبه را بالضروره واجب عینی ذکر کرده اند (نجفی، ج ۲۱، ص ۳۶۲).

انزجار از زشتی ها، قواعد نامشروع و نظام های ظالمانه و مناسبات غیر عادلانه، وقتی در اعماق ضمیر افراد، جای گیرد، فرهنگی فراگیر می سازد و انسان ها را به ارزش های درونی مسلح می سازد. هنجارهایی که نه با قدرت «کنترل اجتماعی» اجرایی می شوند بلکه پیش از آن با اعتقاد افراد به این هنجارها و ارزش ها، به درون باورها راه یافته و خانه گیر شده اند.

ج) کارکرد تغییردهندگی

امر به معروف و نهی از منکر، در عین حال که حافظ ارزش ها و هنجارهای دینی در جامعه است، و از این طریق حافظ هویت و وحدت اجتماعی و فرهنگی جامعه است، رهیافتی تغییرساز و نوآفرین است. چرا که رسالت اساسی این نهاد، استقرار ارزش ها و هنجارهای دینی و انسانی است و برای استقرار این هنجارها، باید به زمینه سازی تغییرات بنیادی در جامعه برخاست که نخستین گام آن تبلیغ و ترویج این ارزش ها و هنجارهاست.

در جامعه ای که ارزش های انسانی و اخلاقی درونی شده است و آگاهی نسبت به معیارهای اجتماعی و دینی فراگیر شده باشد، طبعاً نظامات اجتماعی نیز بر این پایه شکل خواهد گرفت چرا که تغییرات درونی موجب تغییرات اجتماعی نیز می شود. مع الوصف در جاهایی که موانع ساختاری وجود داشته باشد بر این افراد لازم می شود که از راه های مناسب و ممکن نسبت به رفع این موانع و استقرار نظامات اجتماعی و سیاسی که در پرتو آن بتوان به اقامه عدل پرداخت و نیکی ها را فراگیر کرد و فقر و فساد و نابهنجاری ها و انحرافات را زدود اقدام نمود و از این طریق نهاد امر به معروف و نهی از منکر مقتضی تغییرات ضروری به سمت عدالت و پاکی خواهد شد.

۲) جایگاه سیاسی نهاد

۲-۱) نقش تأسیسی

تلاش برای استقرار حکومت «حق» به منظور اجرای احکام شریعت و تحقق عدالت از مصادیق برجسته نهاد امر به معروف و نهی از منکر است. چرا که اقامه عدل و استقرار شرایط شایسته و مطلوب برای زندگی مناسب و روابط انسانی، با وجود نظام حکومتی میسر است. خصوصاً اینکه نظام‌های سیاسی با حکومت‌ها ایجاد و تداوم می‌یابند.

حکومت ضرورت لاینفک زندگی اجتماعی است. نظام‌های زندگی اجتماعی با حکومت‌ها شکل گرفته و اجرایی می‌شوند. هیچ نظام حقوقی یا حتی اخلاقی بدون حکومت، بسط و توسعه نمی‌یابد و برخوردار از پشتوانه مستحکم اجرایی نخواهد بود. اگر نظام ارزشی، با تعارض و دوگانگی بین نظام حکومتی و نظام اجتماعی همراه شود، به طور طبیعی جامعه دچار بحران‌های فرهنگی شدید درونی خواهد بود، با این بحران درونی شدید، قوام و تداوم امنیت و حقوق شهروندی که از وظایف ذاتی حکومت‌هاست با مشکلات اساسی مواجه خواهد شد. امر به معروف و نهی از منکر نقطه تلاقی و وحدت ارزش‌های سیاسی و اجتماعی است. با این وصف یکی از شاخص‌های عمده امر به معروف و نهی از منکر، مبارزه با حکومت جور و ظلم و تلاش برای تأسیس حکومت «حق» است. لذا این نهاد نقش تأسیسی در استقرار نظام اجتماعی پیدا می‌کند.

تعلق این وظیفه به رهبران برجسته دینی و سیاسی ولو به صورت فردی مانع از برشمردن آن به مثابه وظیفه عمومی این نهاد حقوقی نیست. همان طور که در قرآن مجید این وظیفه به «امت» محول شده است. و به یک فرد نیز اطلاق امت شده است. چنانکه ابراهیم خلیل (علیه‌السلام) در قرآن به تنهایی «امت» شمرده شده است: «إِنَّ إِبْرَاهِيمَ كَانَ أُمَّةً قَانِتًا لِلَّهِ حَنِيفًا وَ لَمْ يَكُ مِنَ الْمُشْرِكِينَ» (نحل/۱۲۰): «به راستی ابراهیم، پیشوایی مطیع خدا [و] حق‌گرای بود و از مشرکان نبود».

«وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ» (آل عمران/۱۰۴): «و باید از میان شما، گروهی، [مردم را] به نیکی دعوت کنند و به کار شایسته وادارند و از زشتی بازدارند».

فقیه برجسته شیعی در دایره المعارف عظیم فقهی خود - جواهرالکلام - کلامی نغز به شرح زیر دارد: «انه مع بسط یده الواجب علیه جمیع افراد الامر بالمعروف التي منها الجهاد و قتال البغاه و اقامه الحدود و التعزیرات و رد المظالم العامه و الخاصه و غیر ذلک مما لایقوم به الا الامام علیه السلام...» (نجفی، بی تا، ج ۲۱، ص ۳۶۱): «در صورت بسط ید، تحقق جمیع افراد امر به معروف و نهی از منکر از جمله جهاد، و مبارزه با ستمگران اقامه نظام کیفری و دفع مظالم عام

و خاص و غیر آن، از آنچه که جز امام کسی مبادرت به اقامه آن نمی کند، به عنوان متعلق وجوب و مصادیق امر به معروف و نهی از منکر بر او واجب می شود.

اگرچه ایشان تحقق همه این امور را از شئون امام (علیه السلام) برشمرده، لکن متعاقب آن تصریح کرده است که آنچه ما از آن بحث می کنیم، از برخی از مصادیق این تأسیس اسلامی است و نه همه موارد آن. آنچه می توان استنباط نمود این است که استقرار یک نظام سیاسی که در آن بتوان همه شئون حق و عدل را اقامه نمود، از باب امر به معروف و نهی از منکر واجب شناخته می شود.

برخی از محققین نیز اقامه حکومت اسلامی را بر مبنای امر به معروف و نهی از منکر واجب شمرده اند: «ان ادله الامر بالمعروف والنهي عن المنکر باطلاقها و بمفهومها الوسیع من اقوی الادله علی وجوب تأسیس الحکومه العادله و الدوله الحقه» (متظری، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۲۲۰): «ادله امر به معروف و نهی از منکر با اطلاقی که دارد و با مفهوم گسترده اش از قوی ترین ادله بر وجوب تأسیس حکومت عدل و دولت حق به شمار می روند».

در این بخش بی تردید نخبگان جامعه نقش محوری و اساسی تری دارند. در نظام اسلامی، این مهم، وظیفه نخست عالمان و فقیهان است. چرا که عالمان مطاع محسوب می شوند و تأثیر عمل آنان در تحقق خارجی معروف یا حکومت حق، بیشتر از هر کس دیگری است. توجه به تأثیر عمل نخبگان را از قرآن کریم نیز می توان آموخت. آنجا که عالمان یهود و نصاری را به خاطر این بی توجهی سرزنش نموده است: «لَوْ لَا يَنْهَاهُمُ الرَّبَّانِيُّونَ وَ الْأَخْبَارُ عَنْ قَوْلِهِمُ الْبِائِسَ وَ أَكْثِهِمُ السُّخْتُ لَبُئْسَ مَا كَانُوا يَصْنَعُونَ» (مانده/۶۳): «چرا الهیون و دانشمندان، آنان را از گفتار گناه [آلود] و حرامخوارگی شان باز نمی دارند؟ راستی چه بد است آنچه انجام می دادند».

و یا فرمود: «لُعِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ عَلَى لِسَانِ دَاوُدَ وَ عِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ ذَلِكَ بِمَا عَصَوْا وَ كَانُوا يَعْتَدُونَ» (مانده/۷۸): «از میان فرزندان اسرائیل، آنان که کفر ورزیدند، به زبان داوود و عیسی بن مریم مورد لعنت قرار گرفتند. این [کیفر] به خاطر آن بود که عصیان ورزیده و [از فرمان خدا] تجاوز می کردند».

عالمان اسلامی و فقیهان در زمان بروز فساد و عروض بدعت در نظام شریعت و در حقیقت در سنگین ترین تهاجم فرهنگی به بنیادهای اساسی هویت جمعی و دینی، رسالتی ویژه دارند که از آن به وجوب اظهار حقایق و ابراز آشکار و عالمانه دین یاد کرده اند: «اذا ظهرت البدع فللعالَم ان يظهر علمه و الا فعليه لعنة الله» (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۲۶۹).

در قیام تاریخی عاشورا، سیدالشهدا(ع) اراده خود را «امر به معروف و نهی از منکر» اعلام می نمایند (مجلسی، بحارالانوار، ج ۴، بی تا، ص ۳۹۹) که این خود ضمن نمایاندن خطیر بودن این نهاد،

شیوه اجرایی آن را نیز در شدیدترین حالت آن و در مبارزه با بارزترین منکرات به تصویر می‌کشد.

به نظر می‌رسد، که اقدام به تأسیس دولت، از امور حداکثری در اقامه امر به معروف و نهی از منکر است. ولی در صورتی که این اقدام حداکثری میسر نباشد، توجه به هر مرتبه‌ای از آن که منتهی به کاهش منکرات و اقامه ارزش‌های مثبت باشد به قوت و اعتبار خود باقی است که «المیسور لا یترک بالمعسور» و «ما لا یدرک کله لا یترک کله».

۲-۲) کارکرد نظارتی و کنترلی

با تأسیس حکومت دینی وظیفه تحقق این نهاد، وظیفه متقابل مردم و حکومت می‌شود. ضمن آنکه می‌توان رسالت حکومت را نیز احیای معروف و قلع و قمع منکرات توصیف کرد. در حقیقت هم امر به معروف و نهی از منکر مبنای تشکیل حکومت و دولت حق می‌گردد و هم می‌تواند هدف حکومت تعبیر گردد. این علت موجد همچنان باید علت مبقیه حکومت نیز باقی بماند. لذا ابقای حکومت بر محور ارزش‌ها و اصول و مبانی دینی، مستلزم نظارت مستمر دین‌داران بر حاکمان است. و این نظارت مستمر در چارچوب و قالب حقوقی امر به معروف و نهی از منکر قابل توجیه و توصیف است. ظرفیت اجرایی آن در حدی است که قادر است، برای تحقق توانمندی فردی و اجتماعی، قالب‌های مختلفی را در رسیدن به هدف تدارک نماید.

نهادهای مردمی متعدد و مختلفی که می‌توانند بر این مبنا شکل گیرند، احزاب سیاسی و تشکل‌های غیردولتی (N.G.O) و رسانه‌های جمعی از جمله این نهادها محسوب می‌شوند. خاستگاه و هدف تأسیس احزاب و رسانه‌ها و بسیاری از تشکل‌های غیردولتی می‌تواند امر به معروف و نهی از منکر باشد.

اگر چه عموم این قالب‌ها، برخاسته از جوامع نوین است، ولی اگر بتوان آنها را از اهداف و رویکردهای «خودمحرانه» و «قدرت‌طلبانه» محض خارج کرد، و ظرفیت شکلی این نهادها را با اصلاح محتوا و ماهیت آن به استخدام گرفت، قابلیت بهره‌گیری از آنها برای تحقق این نهاد فراهم می‌شود.

از همین رو، می‌توان خاستگاه حقوقی احزاب، جمعیت‌های سیاسی و گروه‌های اجتماعی را در نظام اسلامی همین نهاد دانست و با این تناسب، اهداف و کارکرد احزاب نیز باید با این تأسیس همسو و هماهنگ شوند.

تفاوت عمده کارکرد احزاب و جمعیت‌های سیاسی در جوامع سکولار و جوامع دینی را می‌توان در رویکرد به «قدرت سیاسی» جستجو کرد.

اگر «قدرت سیاسی» امتیاز حاکمین باشد، عرصه پیکار بین فرمانداران و فرمانبران می‌شود. احزاب غیرحاکم مصداق فرمانبران محکوم به اطاعت هستند که با پیکار سیاسی برای تغییر آرایش حاکمیت اقدام می‌کنند و از این رو نقش معارضه را ایفا می‌کنند. در واقع احزاب، با هدف تغییر روش‌های خشونت‌آمیز پیکار سیاسی، شکل می‌گیرند و با جابجایی حاکمان، آرایش جدال و پیکار سیاسی عوض می‌شود ولی اصل جدال باقی است.

اما اگر «قدرت سیاسی» فی‌نفسه ارزش محسوب نشود و اهدافی که قدرت سیاسی دنبال می‌کند، واجد ارزش تلقی شوند، احزاب و گروه‌های خارج از حاکمیت هم «حاکمان» و «قدرتمندان» سیاسی را در جهت رسیدن به اهداف مشترک تقویت و یاری می‌کنند و هم کارکردهای حاکمان را با همین هدف ارزیابی و نظارت می‌کنند. قدرت سیاسی حرکت بر «ریل» اهداف تعریف‌شده، آرمان‌های معین، با شیوه‌های قانونمند است. نظارت بر قدرت سیاسی در این حرکت صحیح و قانونمند، در حقیقت نظارت بر حسن اجرای اصول هنجارها و روش‌های قانونی است. این رویکرد را می‌توان «امر به معروف و نهی از منکر» در عرصه کنترل قدرت دانست. اصل هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با توجه به همین دیدگاه امر به معروف و نهی از منکر وظیفه همگانی و چندجانبه توصیف می‌کند:

۱- حکومت نسبت به مردم؛

۲- مردم نسبت به حکومت؛

۳- مردم نسبت به یکدیگر.

۳) کارکردهای امر به معروف و نهی از منکر در حکومت اسلامی

با توجه به نقش سه‌جانبه امر به معروف و نهی از منکر در جامعه اسلامی، چنانکه اصل هشتم قانون اساسی بیان نموده است، سازماندهی اجرایی هر سه بخش امر ضروری است و هرکدام از این بخش‌ها و کارکرد و روش ویژه خود را خواهند داشت. اجمالاً به برخی از این روش‌ها اشاره می‌کنیم:

۳-۱) حکومت نسبت به مردم

با نهاد «حسبه» در جوامع اسلامی، که آن را نهاد متولی امر به معروف و نهی از منکر دانسته‌اند، سابقه مداخله حکومت‌ها در این خصوص نشان می‌دهد امور حسبه، امروز به طور غالب از طریق نهادهایی همچون «شهرداری»، «دادسرا» و «پلیس» تحقق می‌پذیرد.

جلوگیری از مظالم، تلاش برای احقاق حق مظلومین و استقرار امنیت، وظایفی است که معمولاً دادسرا عهده دار آن است. برقراری نظم و تأمین امنیت عمومی، و آسایش زندگی

شهری، عمدتاً بر عهده پلیس است. بهداشت عمومی و خدمات همگانی که بالضروره حکومت باید تأمین کند، از طریق شهرداری‌ها تحقق پذیرند. بخش عمده‌ای از وظایف حکومت برای اقامه امر به معروف و نهی از منکر، می‌تواند از طریق تأسیسات اجتماعی و حکومتی مزبور انجام پذیرد. در عین حال بسط و توسعه اخلاق، ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی به طور کلی فرهنگ‌سازی عمومی به وسیله دولت از طریق رسانه‌های دولتی، وزارتخانه‌های فرهنگی و ارشادی قابل تحقق خواهند بود. در هر حال دولت نباید رویکرد امر به معروف و نهی از منکر را در این نوع امور نادیده گرفته و فراموش نماید. پیشگیری از جرم که در قانون اساسی بدان توجه شده است، با توجه به این نهاد از طریق حکومت قابل اجراست.

۳-۲) مردم نسبت به حکومت

حق امر به معروف و نهی از منکر، از جمله حقوق سیاسی مردم نسبت به حکومت است. ابراز حقایق در برابر حاکمین جائز، به عنوان «افضل الجهاد» توصیف شده است (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۶، ص ۱۲۶) البته حق مزبور، ماهیت تکلیفی نیز دارد.

امام حسین (ع) مظهر تاریخی امر به معروف و نهی از منکر در برابر حکومت، در خطبه مهم «منی» در سال ۵۸ هجری به تأثیر مهم این تکلیف سیاسی اجتماعی در استقرار حق و عدل و امنیت می‌پردازد. خطبه‌ای که به تحلیل شرایط حاکم بر جامعه اسلامی پرداخته و راه برون رفت از این شرایط ظالمانه ناعادلانه و ظلم‌محور را امر به معروف و نهی از منکر خصوصاً به وسیله خواص جامعه دانسته و راه نجات را احیای این فریضه می‌دانند:

«ای مردم! از پندی که خدا به اولیا و دوستانش به صورت نکوهش از علمای یهود داده، عبرت بگیرید آنجا که می‌فرماید: چرا علمای دینی و احبار، یهودی‌ها را از سخنان گناه‌آمیز و خوردن حرام نهی و جلوگیری نمی‌کنند؟ و باز می‌فرماید: «آنها که از بنی اسرائیل کافر شدند مورد لعن و نفرین قرار گرفتند تا آنجا که می‌فرماید: آنها از اعمال زشتی که انجام می‌دادند یکدیگر را نهی نمی‌کردند و چه کار بدی را مرتکب می‌شدند» در حقیقت خداوند آن را از این جهت عیب می‌شمارد که آنان با چشم خود می‌دیدند که ستمکاران به زشتکاری و فساد پرداخته‌اند و باز منعشان نمی‌کردند و این سکوت بخاطر علاقه به مال بود که از آنان دریافت می‌کردند و نیز به خاطر ترسی بود که از آزار و تعقیب آنان به دل راه می‌دادند و در حالی که خدا می‌فرماید: «از مردم نترسید و از من بترسید» و می‌فرماید: «مردان مؤمن دوستدار و رهبر و عهده‌دار یکدیگرند همدیگر را امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند». خداوند در این آیه در شمردن صفات مؤمنان که مظهر دوستداری و رهبری متقابل است از امر به معروف و نهی از منکر شروع می‌کند و نخست آن را واجب می‌شمارد زیرا می‌داند که اگر امر به معروف و نهی

از منکر انجام بگیرد و در جامعه برقرار شود همه واجبات از آسان گرفته یا مشکل همگی برقرار خواهد شد و آن بدین سبب است که امر به معروف و نهی از منکر عبارت است از دعوت به اسلام (یعنی جهاد اعتقادی خارجی) به اضافه بازگرداندن حقوق ستمدیدگان به آنان و مخالفت و مبارزه با ستمگران و کوشش برای این که ثروت‌های عمومی و غنایم جنگی طبق قانون عادلانه اسلام توزیع شود و صدقات (زکات و همه مالیات‌های الزامی و داوطلبانه) از موارد صحیح و واجب آن جمع‌آوری و گرفته شود و هم در موارد شرعی و صحیح آن به مصرف برسد» (نجمی، ۱۳۷۹ش، ص ۳۲۲).

مردم از مجرای امر به معروف و نهی از منکر است که می‌توانند و نیز باید حکومت‌ها را در چارچوب اصول و قوانین حفظ کنند و آن را مورد نظارت همه‌جانبه قرار دهند و حکومت متقابلاً موظف است این حقوق و تکالیف مردم را به رسمیت بشناسد و آثار آن را بپذیرد. استقرار نهادهایی که بتوانند در انجام این مهم کمک برسانند، مشکل کار است و می‌تواند به اقتضای زمان و شرایط متفاوت بوده و متحول بشود.

مساجد، منابر، رسانه‌های عمومی، جمعیت‌ها و احزاب و سایر تشکل‌های مردمی غیردولتی می‌توانند با رویکرد امر به معروف و نهی از منکر ساماندهی و سازماندهی شوند و با وضع قوانین، مورد حمایت قرار گیرند. موارد اشتباه در مصادیق، که با این انگیزه و نیت تحقق یابد نیز می‌تواند با تسهیلاتی که قانون اساسی در رسیدگی به جرائم سیاسی، طراحی کرده مورد داوری قرار گیرد. هیأت منصفه‌ای متشکل از مؤمنان و آنان که پایبند عملی به این فریضه‌اند، میان دولت و متهم به جرم سیاسی، داور و واسطه قرار گیرند و نگذارند عاملین این فریضه، مورد اجحاف و ستم قرار گیرند و سوء استفاده‌کنندگان از این فریضه را تنبیه کنند و اشتباهات خیرخواهان را تصحیح کنند.

۳-۳) مردم نسبت به یکدیگر

ارتباط مردم در جامعه اسلامی بر مبنای ولایت همگانی بر یکدیگر است. «ولایتی» که انسان‌ها را در کنار یکدیگر و بی‌فاصله چنان قرار می‌دهد که هر یک مشفق و دلسوز دیگری است.

البته حدود و مراتب این بخش از دیگر بخش‌ها دقیق‌تر و حساس‌تر است. نخستین مسئله در این بخش توجه به هدف این نهاد است. این مهم را در فتوای فقهی امام (ره) در تحریرالوسیله می‌بینیم: «بایسته است که امر به معروف و ناهی از منکر در امر و نهی‌اش و مراتب انکارش، همچون طبیبی معالج و دلسوز و پدری مشفق باشد که فقط به مصلحت مرتکب می‌اندیشد. باید که «نهی» ناهی، لطف و رحمت بر مرتکب باشد و بر همه جامعه نیز.

شایسته است که مرتکب نیت خود را برای «خدا» خالص گرداند و عملش را برای او پاک گرداند و از شائبه‌های نفسانی و هواها و خودخواهی‌ها و برتری‌جویی، خود را تنزیه کند و بداند که چه بسا کسی را که نهی از منکر می‌کند در مراتب نفسانی از او برتر باشد و صفات نفسانی او مرضی خداوند باشد، اگر چه عمل فعلی او که اقتضای نهی دارد، مورد غضب خداوند باشد. و چه بسا که ناهی نزد خداوند، شرایطی بر خلاف مرتکب داشته باشد، و این صفات نفسانی او بر خودش پنهان مانده باشد» (امام خمینی، بی‌تا، ج ۱، ص ۴۸۱).

کلام امام، مشابه کلام فقیه بزرگ صاحب جواهر در این خصوص است (نجفی، ج ۲۱، بی‌تا، ص ۳۸۲)؛ نیز فرموده‌اند: «بالاترین مصداق امر به معروف و نهی از منکر و لطیف‌ترین آنها و مؤثرترین نوع آن در تأثیر باطنی بر نفوس و اشرف مراتب آن این است که آمر و ناهی، ملبس و عامل به معروف و اجتناب‌کننده از منکرات باشد» (امام خمینی، بی‌تا، ج ۱، ص ۴۸۲).

با این نگرش آمرین به معروف و ناهین از منکر با رفتار خود و پایبندی کامل به اصول و ارزش‌ها، اخلاق و قوانین جامعه اسوه و الگوی جامعه می‌شوند. این امر به معروف و نهی از منکر با الگو گرفتن تحقق می‌یابد پیش از آنکه نیاز به سخن گفتن باشد.

از سوی دیگر در امر به معروف و نهی از منکر محبت و عشق به انسان و تلاش برای نجات او از زشتی‌ها و سقوط در پلیدی‌ها نهفته است. به عبارت دیگر محبت به انسان و احساس مسئولیت در برابر او منشأ امر به معروف و نهی از منکر است. در این نهاد قدرت طلبی، مداخله بی‌وجه و شخصی در زندگی دیگران وجود ندارد.

«میبدی» عارف بزرگ در «کشف الاسرار و عده‌الابرار» در تأثیر محبت در سالم‌سازی جامعه سخنی نغز و لطیف دارد. وی می‌نویسد: «بویزید بسطامی در راهی می‌رفت، آواز جمعی به گوش وی رسید خواست که آن حال بازداند، فرا رسید کودکی دید در لژن سیاه افتاده و خلقی به نظارت ایستاده، همی ناگاه مادر آن کودک از گوشه‌ای در دوید و خود را در میان لژن افکند و آن کودک را برگرفت و برفت. بویزید، چون آن بدید وقتش خوش گشت نعره‌ای زد، ایستاد و می‌گفت: شفقت بیامد آرایش ببرد، محبت بیامد معصیت ببرد، عنایت بیامد جنایت ببرد» (میبدی، ۱۳۷۱ش، ج ۱، ص ۵۳۱).

انقلاب اسلامی پیوسته بر توسن مراقبت‌های عمومی، از آسیب‌های بسیاری محفوظ مانده است. حمایت‌های مردمی تنها در قالب کنترل منفی یا نهی استوار نبوده، بلکه اقدامات مثبت در فراهم کردن شرایط تحقق معروف، اهمیتی بسیار فراوان‌تر از نهی محض از منکر دارد. حرکت‌های خیرخواهانه عمومی، در فقرزدایی و فسادزدایی نقش بسیار حیاتی دارند.

«سیاست جنایی مشارکتی» را که امروزه در سیاست جنایی، به عنوان یکی از طرق مؤثر در اصلاح ناهنجاری‌ها در جامعه به شمار می‌رود، می‌توان بر این نهاد استوار کرد. حقوق کیفری

اسلامی، ظرفیت فراوانی دارد که از نیروهای مردمی برای اصلاح تبه‌کاری استفاده کند، تلاش برای اصلاح ذات‌البین، شفاعت و کفالت مجرمین کم‌خطر و جوان و بازپروی آنها از طریق نهادهای عمومی مردمی، بخش دیگری از ظرفیت این نهاد است. قاعده کیفری «لاشفاعة فی حد» و «لاکفالة فی حد» (بجنوردی، ج ۶، ۱۹۴۱۹ق، ص ۱۶۳) که در حدود اسلامی مطرح است، قطعیت اجرای حدود را با شرایط خاص خود در این حوزه محدود نموده و از مفهوم مخالف آن و هم از قواعد حاکم بر تعزیرات می‌توان دریافت که «شفاعت» و «کفالت» در تعزیرات قابل پذیرش است. اگر بتوان مؤسسات عام‌المنفعة با اتکا به نیروی مردمی برای بازپروی مجرمینی که مجرمیت آنان معلول شرایط خاص و خطاهای آنی است ایجاد نمود، تربیت و بازپروی از طریق مردمی می‌تواند جایگزین حبس و شلاق گردد. البته تحقق این امور در گرو قانونگذاری جامع و زمینه‌سازی برای فراهم شدن توان مردمی و ملی است.

اگر چه بخشی از این امور در قالب برخی اقدامات قضایی چون نهادهای حل اختلاف و اصلاح ذات‌البین رخ نموده است ولی برای جلوگیری و پیش‌گیری از ارتکاب جرم، همچنان ظرفیت‌های فراوانی برای قانونگذاری و اجرایی کردن وجود دارد. تصور می‌رود اگر در بخش مثبت به قانونگذاری و برنامه‌ریزی بپردازیم، حمایت از اقدامات خشن بازدارنده و نهی از منکر شدید و با اعمال قدرت، زمینه بروز کمتری خواهند داشت. البته در این خصوص نیز با رعایت حدود و موازین فقهی باید به وضع قانون پرداخت و از امر به معروف و نهی از منکر حمایت‌های حقوقی به عمل آورد، چنان که قانون راجع به مجازات اسلامی سال ۱۳۶۱ آن را به عنوان یکی از مصادیق توجیه‌کننده جرم تلقی کرد ولی عدم توجه به شرایط و معیارهای آن در عمل موجب شد که در اصلاحات بعدی قانون مجازات به طور کلی حذف گردد. ولی آنچه بیش از این قانون ضروری است احیای همه ظرفیت‌های اجتماعی و فرهنگی امر به معروف و نهی از منکر می‌باشد.

منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم.
۲. ابن تیمیّه، تقی الدین احمد بن عبدالحلیم، (۱۴۱۸ق)، الأمر بالمعروف و النهی عن المنکر، عربستان سعودی، وزارة الشؤون الاسلامیة و الاوقاف و الدعوة و الارشاد، ج ۱.
۳. بجنوردی، سیدحسین، (۱۴۱۹ق)، القواعد الفقهیة، قم، نشر الهادی.
۴. حرعاملی، محمد بن الحسن، (۱۴۰۹ق)، وسائل الشیعة، قم، آل‌البتین علیهم‌السلام.
۵. مرکز دایرة المعارف بزرگ اسلامی/زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی، (۱۳۸۰ ش)، دایرة المعارف بزرگ اسلامی، تهران.
۶. طوسی، ابوجعفر محمد بن الحسن، (۱۴۰۰ق)، النهایة فی مجرد الفقه و الفتاوی، بیروت - لبنان، دارالکتب العربی، ج دوم.
۷. عاملی، زین‌الدین بن علی بن احمد الجبعی، (۱۴۱۰ق)، الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة، قم، داری.
۸. عبده، شیخ محمد، (۱۹۷۸م)، تفسیر القرآن الحکیم مشهور به «المنار»، بیروت - لبنان، دارالمعرفة.

٩. غزالی، محمد، (١٩٨٩م)، *احیاء علوم الدین*، کتاب الأمر بالمعروف و النهی عن المنکر، بیروت - لبنان، دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع.
١٠. ماوردی، ابوالحسن علی بن محمد، (١٤٠٦ق)، *الأحكام السلطانية*، قم، مکتب الاعلام الاسلامی.
١١. مجلسی، محمدباقر، (بی تا)، *بحار الانوار*، تهران، دارالکتب الاسلامیة.
١٢. مفید، محمد بن محمد بن نعمان، (١٤١٣ق)، *المقتعة*، قم، کنگره جهانی هزاره شیخ مفید.
١٣. منتظری، حسینعلی، (١٤٠٩ق)، *ولایة الفقیه*، قم، مرکز العالمی للدراسات الاسلامیه.
١٤. موسوی الخمنی، روح الله، (بی تا)، *تحریر الوسیله*، قم، مؤسسه مطبوعات دارالعلم.
١٥. میندی، رشیدالدین، (١٣٧١ش)، *کشف الاسرار و عدة الابرار*، تهران، امیرکبیر.
١٦. نجفی، محمدحسن، (بی تا)، *جواهر الکلام*، بیروت - لبنان، دار احیاء التراث العربی.
١٧. نجمی، محمدصادق، (١٣٧٩ش)، *خطبه حسین بن علی (ع) در منی*، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی.